



OPEN ACCESS



فصلنامه علمی پژوهش های انقلاب اسلامی



۵۶

دوره ۱۵، شماره ۱، پیاپی ۵۶

بهار ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴-۰۴-۱۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴-۱۰-۲۷

صص: ۲۸۹-۳۰۳

شابا جایی: ۲۳۲۲-۲۵۷۳

چکیده

پدیده «تکفیر» در دهه‌های اخیر از سطح داوری‌های اعتقادی فراتر رفته و در پیوند با خشونت سازمان‌یافته، به یکی از مهم‌ترین عوامل بحران‌زا در منطقه و جهان اسلام تبدیل شده است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه مطالعه کتابخانه‌ای، نخست «جریان تکفیری» را به مثابه صورت‌بندی‌ای تعریف می‌کند که با توسعه ناموجه دایره کفر، اختلافات درون‌اسلامی را به مرزهای ایمانی تبدیل می‌سازد و از تکفیر برای طرد اجتماعی و مشروعیت‌بخشی به خشونت بهره می‌گیرد. سپس دو سطح تعارض این منطق با الگوی انقلاب اسلامی ایران بررسی می‌شود: تعارض در سطح معرفتی - روشی (فهم توحید/شرک، روش تفسیر نص و نسبت اختلاف مذهبی با حکم کفر) و تعارض در سطح اجتماعی - سیاسی (وحدت امت، امنیت عمومی و پیامدهای جنگ داخلی). در ادامه، سیر تاریخی تکفیر از خوارج تا صورت‌بندی‌های معاصر مرور می‌شود و نشان داده می‌شود که در دوره جدید، جریان‌های سلفی - جهادی با شبکه‌سازی فراملی و «تکفیر حداکثری» زمینه بحران‌های گسترده‌تری را فراهم کرده‌اند. محور تحلیلی مقاله، بازخوانی نقدهای آیت‌الله جعفر سبحانی درباره وهابیت و پیامدهای اجتماعی - سیاسی تکفیر است؛ از جمله نقد توسعه مفهوم شرک، هشدار نسبت به نزاع فرقه‌ای و خون‌ریزی درون‌اسلامی، و تأکید بر عقلانیت دینی، گفت‌وگوی علمی و تمرکز بر مشترکات امت. یافته‌ها نشان می‌دهد منطق تکفیری با آرمان‌های انقلاب اسلامی - به‌ویژه وحدت اسلامی، کرامت انسان و مقابله با سلطه - ناسازگار است و مهار افراط‌گرایی نیازمند ترکیبی از نقد معرفتی، آموزش دینی معتبر و سیاست‌های همگرایانه است.

واژگان کلیدی:

تکفیر؛ جریان تکفیری؛ سلفی‌گری؛ وهابیت؛ آیت‌الله سبحانی؛ وحدت اسلامی؛ خشونت مذهبی

۱: دانشیار، عضو هیئت علمی دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

h_rahnamaei@ut.ac.ir

۲: دانش آموخته دکتری مدرسی مبانی نظری اسلام، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳: استادیار، عضو هیئت علمی دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۴: استادیار، عضو هیئت علمی دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

جریان‌های تکفیری جدید، پدیده سیاسی — اجتماعی قرن اخیر در کشورهای اسلامی است که با تفسیرهای خاص و تندروانه از اسلام، دیگر مسلمانان را به خاطر اختلافات عقیدتی تکفیر می‌کنند و در مواردی با اتکا به همین منطق طرد، زمینه خشونت و درگیری‌های فرقه‌ای را فراهم می‌سازند. در مقابل، انقلاب اسلامی ایران، الگویی جدید از حکومت دینی را مطرح کرد که بر ارزش‌هایی مانند دین‌مداری، عدالت‌خواهی، مردم‌باوری، استقلال، نفی سلطه‌پذیری و نیز تأکید بر وحدت اسلامی و هم‌گرایی مسلمانان استوار است. آیت‌الله جعفر سبحانی، به عنوان یکی از متفکران و متکلمان برجسته و مجتهدان مهم شیعه، نقش مهمی در تبیین و نقد مبانی معرفتی و پیامدهای اجتماعی — سیاسی تکفیر و وهابیت داشته است.

تکفیر، صرفاً یک داوری اعتقادی درباره ایمان و کفر نیست؛ بلکه هنگامی که به عرصه اجتماع و سیاست وارد می‌شود، می‌تواند به ابزار مشروعیت‌بخشی برای طرد، نفی، سلب حقوق و در نهایت خون‌ریزی تبدیل گردد. از این رو، بررسی تکفیر تنها در محدوده مباحث نظری کلامی باقی نمی‌ماند و به مسئله‌ای مربوط به امنیت اجتماعی، انسجام امت اسلامی و تصویر جهانی اسلام بدل می‌شود. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که نمونه‌های نخستین تکفیر را می‌توان در جریان خوارج دید که با قرائتی سخت‌گیرانه از دین، دایره ایمان را تنگ کرده و دیگر مسلمانان را به آسانی در معرض حکم کفر قرار دادند. این الگو در دوره‌های بعد، در قالب‌های متنوعی بازتولید شد و در عصر جدید، با پیوند خوردن به برخی قرائت‌های افراطی از سلفی‌گری/وهابیت و سپس با شکل‌گیری گروه‌های تکفیری جهادی، به مرحله‌ای رسید که خشونت را به عنوان «وظیفه دینی» معرفی می‌کند. ظهور و گسترش گروه‌هایی مانند القاعده و پس از آن داعش نشان داد که تکفیر در صورت برخوردار شدن از پشتوانه تبلیغی، مالی و رسانه‌ای می‌تواند به جریانی بحران‌آفرین تبدیل شود.

بیان مسئله و روش پژوهش

با وجود پژوهش‌های متعدد درباره خاستگاه‌ها و پیامدهای تکفیر و نیز مطالعات مستقل درباره انقلاب اسلامی، هنوز «صورت‌بندی تحلیلی تعارض» میان منطق تکفیری و منطق انقلاب اسلامی در چارچوبی که همزمان بر کلام، فقه، پیامدهای اجتماعی — سیاسی و راهبردهای مواجهه تکیه کند، کمتر به صورت منسجم انجام شده است. از این رو مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که جریان‌های تکفیری در چه سطحی از مبانی اعتقادی/فقهی و چه سطحی از پیامدهای اجتماعی — سیاسی با الگوی انقلاب اسلامی در تعارضند و آیت‌الله جعفر سبحانی این تعارض را چگونه تحلیل و نقد می‌کند.

روش این پژوهش، توصیفی — تحلیلی و مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی منابع کتابخانه‌ای است. بدین صورت که ضمن مرور ادبیات مرتبط با تکفیر و جریان‌های افراطی، گزاره‌های کلیدی در آثار آیت‌الله سبحانی درباره تکفیر، مرز ایمان و کفر، روش فهم نص، نقد خشونت و راهبردهای وحدت‌محور استخراج و تحلیل می‌شود.

فرایند تحلیل شامل: گردآوری و مطالعه نظام‌مند منابع، استخراج گزاره‌های کلیدی، کدگذاری اولیه (مانند: احتیاط در تکفیر، وحدت اسلامی، نقد خشونت، نقد قرائت افراطی، گفت‌وگو و مشترکات)، طبقه‌بندی محوری و بازسازی چارچوب، و سپس تحلیل نهایی و جمع‌بندی است.

این پژوهش به جای بسنده کردن به گزارش کلی از تکفیر، تلاش می‌کند مؤلفه‌های انتقادی آیت الله سبحانی را دسته‌بندی و چارچوب‌مند کند تا بتوان از آن به عنوان مبنایی نظری برای تحلیل تعارض‌های تکفیر با هم‌گرایی اسلامی و عقلانیت دینی استفاده کرد.

بدنه اصلی داده‌های این پژوهش شامل منابع کتابخانه‌ای و متون مکتوب است که در دو دسته کلی سامان می‌یابد:

الف) منابع اصلی: آثار آیت‌الله جعفر سبحانی مرتبط با وهابیت/سلفی‌گری، تکفیر و مباحث ملل و نحل و نیز نوشته‌هایی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به «مرز ایمان و کفر»، «حکم تکفیر»، «وحدت اسلامی»، «روش فهم نص» و «نقد خشونت دینی» پرداخته‌اند.

ب) منابع مکمل: پژوهش‌ها و مقالات دانشگاهی فارسی و انگلیسی درباره تکفیر و جریان‌های افراطی و نیز آثار مرتبط با نقد خشونت مذهبی و جریان‌های تکفیری (برای تکمیل نگاه تطبیقی و تقویت پشتوانه علمی بحث).

پیشینه پژوهش

پدیده تکفیر و جریان‌های برآمده از آن، در دهه‌های اخیر به صورت گسترده در پژوهش‌های اسلامی و مطالعات میدانی بررسی شده است. بخشی از ادبیات پژوهش، تکفیر را از منظر «تاریخی - فرقه‌ای» دنبال کرده و ریشه‌های آن را در برخی تجربه‌های نخستین مانند خوارج و سپس در تحولات فکری متأخر جست‌وجو کرده است. در این رویکرد، تکفیر بیش از آنکه صرفاً یک داوری اعتقادی تلقی شود، به عنوان سازوکاری برای مرزبندی سخت‌گیرانه، طرد اجتماعی و تولید منازعه درون‌دینی تحلیل می‌شود. در برابر، دسته‌ای دیگر از پژوهش‌ها - به ویژه در مطالعات معاصر - بر پیوند تکفیر با «خشونت سازمان‌یافته» و نقش آن در مشروعیت‌بخشی به اقدام مسلحانه تمرکز کرده و نشان داده‌اند که در برخی جریان‌ها، تکفیر از سطح اختلاف کلامی عبور کرده و به صورت یک منطق حذف سیاسی - اجتماعی درآمده است.

در حوزه مطالعات سلفی‌گری/وهابیت نیز پژوهش‌های متعددی به بررسی مبانی معرفتی و روش فهم نص در قرائت‌های افراطی پرداخته و کوشیده‌اند نسبت میان «ظاهرگرایی افراطی»، «توسعه دایره بدعت و شرک‌انگاری» و «سهولت در حکم به کفر» را توضیح دهند. برخی از این پژوهش‌ها با نگاه انتقادی، تفسیرهای محدود از توحید و شرک و تعمیم‌های شتاب‌زده در باب ایمان و کفر را از زمینه‌های تقویت تکفیر دانسته‌اند؛ و در مقابل، بر ضرورت بازگشت به روش معتبر در استنباط دینی، توجه به سیاق و ملاحظه شرایط زمان و مکان تأکید کرده‌اند.

با این حال، بخش قابل توجهی از ادبیات موجود یا در سطح گزارش تاریخی باقی مانده یا در تحلیل‌های اجتماعی - سیاسی از گروه‌های تکفیری تمرکز یافته و کمتر به «بازسازی منسجم چارچوب‌های کلامی - فقهی ضد تکفیر» از منظر متکلمان معاصر پرداخته است. در این میان، آثار آیت‌الله جعفر سبحانی به دلیل تمرکز هم‌زمان بر نقد مبانی فکری سلفی‌گری/وهابیت، تبیین مرزهای ایمان و کفر و هشدار نسبت به پیامدهای تفرقه‌افکنانه و خشونت‌زای تکفیر، ظرفیت برجسته‌ای برای صورت‌بندی یک چارچوب علمی ضد تکفیر دارد. بنابراین، خلاصه‌ای از ادبیات پژوهش را می‌توان در «چارچوب‌مند کردن نقد تکفیر یک متکلم معاصر و تبدیل آن به مبنایی برای تحلیل تعارض‌های بنیادین تکفیر با عقلانیت دینی، وحدت اسلامی و هم‌گرایی امت» دانست.

چارچوب نظری و تعاریف

در این مقاله، «تکفیر» به معنای نسبت دادن کفر به مسلمان و خارج کردن او از دایره اسلام است؛ با این توضیح که تکفیر در سطح نظری می‌تواند یک بحث کلامی باشد، اما در سطح اجتماعی - سیاسی، هنگامی که با طرد اجتماعی، محکوم‌سازی و حتی تعقیب/آزار همراه شود، به مسئله‌ای بحران‌زا تبدیل می‌گردد (Adang et al., 2015, p. 1) این پدیده در تاریخ اسلام علاوه بر جنبه نظری، آثار عملی (نظامی و سیاسی) داشته و نیازمند تحلیل علل و پیامدهاست. (القرضاوی، ۱۹۹۰، ص ۲۰)

برای دقت بیشتر، تفکیک میان «تکفیر مطلق» و «تکفیر معین» اهمیت دارد: تکفیر مطلق ناظر به حکم کلی درباره یک قول یا فعل است، در حالی که تکفیر معین ناظر به حکم درباره شخص مشخص است. به نظر ابن تیمیه «تکفیر مطلق مستلزم تکفیر معین نیست» (ابن تیمیه، ۱۴۱۶، ج ۱۲، ص ۴۸۷) ابن تیمیه در بیان احتیاط نسبت به تکفیر شخص معین، بر لزوم اقامه حجت پیش از نسبت دادن تکفیر/تفسیق به فرد تأکید می‌کند (ابن تیمیه، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۲۲۹) از همین رو، یکی از محورهای مهم در نقد عملکرد جریانهای تکفیری عدم توجه به اصل مزبور است. این در حالی است که در بیانات چهره‌های مؤثر فقه اهل سنت بر احتیاط در صدور حکم کفر و پرهیز از تعمیم‌های شتاب‌زده و عدم اولویت راهکارهای صرفاً امنیتی در مقام مواجهه اجتماعی و توصیه به اقناع، بیان، اقامه حجت و برطرف کردن شبهات آمده است. (القرضاوی، ۱۹۹۰، ص ۲۱).

جریان‌های تکفیری

جریان‌های تکفیری به دسته‌ای از گروه‌ها و افرادی اشاره دارد که به دلایل عقیدتی خاص، تعدادی از مسلمانان یا حتی غیرمسلمانان را «کافر» می‌خوانند و بر این اساس اقدامات خشونت‌آمیز و تندروانه انجام می‌دهند. این جریان‌ها معمولاً به یک تفسیر بسیار تنگ‌نظرانه، سخت‌گیرانه و تحریف‌شده از اسلام پای بندند و برای به دست آوردن اهداف خود از روش‌های افراطی و خشونت‌آمیز استفاده می‌کنند.

ویژگی‌های جریان‌های تکفیری

«تفسیر تندروانه از متون دینی»: این جریان‌ها معمولاً از تفسیرهای بسیار سخت‌گیرانه و گاهی اوقات غلط از قرآن و حدیث استفاده می‌کنند و هر گونه انحراف از این تفسیرها را غیرقابل قبول می‌دانند. برخی از جریان‌های اسلامی، تکفیر را به عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی خود قلمداد می‌کنند. آنها گروه‌ها و مذاهب اسلامی دیگری که موافق تفسیر آنها نیستند را تکفیر می‌کنند. این عدم موافقت می‌تواند به دلیل تفاوت در عقاید، اعمال یا حتی نیت‌های افراد باشد. (موسسه دارالاعلام، ۱۳۹۸، ۲۴۵)

تکفیر یکی از مسائل پیچیده و حساس در جوامع اسلامی است که می‌تواند به تفرقه و اختلافات شدید منجر شود. جریان‌هایی که تکفیر را به عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی خود دارند، برای تحقق اهداف سیاسی و عقیدتی خود، به اعمال خشونت‌آمیز نظیر ترور، حملات انتحاری و قتل متوسل می‌شوند. این جریان‌ها اغلب هیچ گونه تنوع مذهبی و فکری را بر نمی‌تابند و بر این باورند که تنها تفسیر صحیح از اسلام، تفسیر خودشان است. بسیاری از جریان‌های تکفیری معمولاً مخالف اصول دموکراسی و حقوق بشر هستند و این اصول را با آموزه‌های دینی خود ناسازگار می‌دانند.

سازمان القاعده یکی از شناخته‌شده‌ترین گروه‌های تکفیری در نیم قرن اخیر بوده‌است که برای گسترش ایده‌های خود از روش‌های خشونت‌آمیز و تروریستی استفاده می‌کند. این گروه به رهبری اسامه بن لادن توانست حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م را سازمان‌دهی کند. داعش (دولت اسلامی عراق و شام) نمونه دیگری از یک گروه تکفیری بسیار تندرو بود که با اشغال مناطق وسیعی از عراق و سوریه، به اعمال خشونت و ترور بر اساس تفسیر خود از اسلام پرداخت (علیزاده موسوی، ۱۳۹۶).

جریان‌های تکفیری تأثیرات مخربی بر جوامع اسلامی و غیر اسلامی داشته‌اند. این تأثیرات شامل ایجاد تفرقه و انشقاق در جامعه اسلامی، تخریب چهره اسلام در سطح جهانی و اسلام‌هراسی، افزایش خشونت‌ها و ترورها، و تضعیف روحیه و انسجام مسلمانان است. (Hegghammer, ۲۰۱۰, ۷-۱۱p)

تاریخچه و تطور جریان‌های تکفیری

تکفیر در تاریخ اسلام زمانی به «جریان» تبدیل می‌شود که براساس یک قرائت خاص از دین، مرز ایمان و کفر را چنان تنگ کند که اختلاف‌های فقهی و کلامی درون اسلامی را به «خروج از دین» فروکاهد و سپس بر پایه همین داوری اعتقادی، طرد اجتماعی و حتی خشونت را توجیه کند. از این منظر، تکفیر را باید هم در ساحت معرفتی (روش فهم قرآن و سنت، حدود اجتهاد، نسبت ظاهر و مقاصد و جایگاه عقل و تاریخ) و هم در ساحت اجتماعی - سیاسی (کارکردهای قدرت، شبکه‌های بسیج نیروها و هویت‌سازی و بحران‌های دولت - جامعه) تحلیل کرد.

خوارج نمونه برجسته‌ای از این الگو را در نخستین قرون اسلامی نمایان کردند: آنها با قرائتی تنگ‌نظرانه و سخت‌گیرانه، دایره ایمان را محدود و دیگر مسلمانان را در معرض حکم کفر قرار دادند. نزاع سیاسی پس از صفین، به تدریج صورت‌بندی کلامی یافت و با «تقدیس خشونت» همراه شد؛ بدین معنا که خروج مسلحانه و قتال با مسلمانانی که به گونه‌ای دیگر می‌اندیشیدند، به عنوان تکلیف دینی تصویر گردید. این تجربه تاریخی نشان داد که تکفیر می‌تواند از دل منازعات سیاسی سربرآورد، اما با گذر زمان به زبان یا مشخصه هویت‌بخش یک گروه تبدیل شود؛ زبان یا مشخصه‌ای که مرزهای «ما/دیگران» را مطلق می‌کند و سازش اجتماعی را فرسوده می‌سازد.

در قرون میانه، بسیاری از منازعات فقهی و کلامی الزاماً به تکفیر نمی‌انجامید؛ اما گاه رقابت‌های سیاسی - اجتماعی، ادبیات برچسب‌زنی را تقویت می‌کرد. هنگامی که نزاع علمی با نفوذ قدرت سیاسی گره می‌خورد یا فضای عمومی در اثر بحران‌های امنیتی ملتهب می‌شد، داوری‌های اعتقادی می‌توانست به طرد و حذف نزدیک شود. در این دوره، تفاوت مهم میان سنت‌های علمی معتبر و گرایش‌های تندرو، در «نظم روش‌شناختی» و «احتیاط در حکم» آشکار بود؛ زیرا بسیاری از عالمان، تکفیر را امری خطیر و حکمی سنگین می‌دانستند و آن را تابع شرایط و موانع تلقی می‌کردند.

در دوره متأخر، شعار «بازگشت به سلف» و گرایش‌های پاک‌دینی، در کنار تحولات سیاسی - اجتماعی جهان اسلام، به پیدایش صورت‌های تازه‌ای از تکفیر کمک کرد. در این میان، وهابیت قرن دوازدهم هجری یکی از نقاط عطف است؛ زیرا تکفیر را از سطح جدال نظری فراتر برد و آن را به پروژه‌ای اجتماعی - سیاسی پیوند زد که در آن، برخی رفتارها و مناسک رایج مسلمانان به عنوان شرک و کفر بازخوانی شد و پیامد طبیعی آن، تشدید نزاع مذهبی و گاه خشونت بود.

از اواخر قرن بیستم، موجی از «سلفی‌گری جهادی فراملی» در برخی نقاط جهان اسلام پدید آمد که برآمده از جنگ‌ها و اشغال‌ها، بحران‌های دولت - ملت، شبکه‌های ایدئولوژیک و زیرساخت‌های مالی و رسانه‌ای بود. در این مرحله، تکفیر از دایره اختلاف اعتقادی فراتر رفت و به پلتفرم بسیج نیروها تبدیل شد: نخست، مخالف سیاسی یا مذهبی از دایره امت بیرون گذاشته می‌شود؛ سپس خشونت علیه او ذیل عنوان جهاد یا امر به معروف توجیه می‌گردد؛ و نهایتاً با برساختن دوگانه‌های مطلق (ایمان/کفر و توحید/شرک)، خشونت به «وظیفه مقدس» تبدیل می‌شود. در این بستر، جریان‌هایی چون «التکفیر و الهجرة» و «جهاد اسلامی مصر» در دهه‌های پایانی قرن بیستم، و سپس شبکه‌هایی که در قالب القاعده و شاخه‌های متکثر آن شکل گرفتند، نقش مهمی در جهانی‌شدن ادبیات تکفیر داشتند.

در دهه ۲۰۱۰م، داعش (دولت اسلامی عراق و شام) نمونه‌ای افراطی‌تر از تکفیر سازمان‌یافته را نمایان ساخت. اشغال بخش‌هایی از عراق و سوریه و تلاش برای ساخت یک نظام شبه‌دولتی، همراه با تکفیر گسترده گروه‌های مسلمان و اعمال خشونت شدید علیه مخالفان، نشان داد تکفیر چگونه می‌تواند به «سیاست حکمرانی» تبدیل شود؛ سیاستی که از طریق آن، حذف فیزیکی مخالفان و پاکسازی هویتی مشروعیت می‌یابد. در کنار داعش و القاعده، برخی شاخه‌های القاعده در شبه‌جزیره عربستان و مغرب اسلامی، و نیز گروه‌هایی مانند بوکوحرام در نیجریه و الشباب در سومالی که در پاره‌ای از دوره‌ها، تکفیر را به ابزار مشروعیت‌بخشی برای خشونت علیه مخالفان و حتی مسلمانان دیگر تبدیل کردند.

این مرور تاریخی نشان می‌دهد «جریان تکفیری» پدیده‌ای تک‌علتی و یکپارچه نیست؛ بلکه در هر دوره، ترکیبی از عوامل معرفتی، اجتماعی و سیاسی در تبدیل تکفیر به «جریان» نقش دارد. از این رو، مواجهه علمی با تکفیر نیز باید همزمان به اصلاح روش فهم نص، تبیین ضوابط شرعی تکفیر و سیاست‌های فرهنگی - اجتماعی کاهش نفرت و خشونت توجه کند.

دیدگاه‌های آیت‌الله سبحانی درباره پیامدهای تکفیر

آیت‌الله جعفر سبحانی در کتاب نقد وهابیت، با رویکردی تاریخی-تحلیلی، شکل‌گیری و گسترش وهابیت را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد چگونه قرائت‌های سخت‌گیرانه از توحید و بدفهمی از سنت، می‌تواند زمینه را برای تکفیر، نزاع مذهبی و فروپاشی همبستگی مسلمانان فراهم کند. (سبحانی، ۱۳۶۴)

در تحلیل آیت‌الله سبحانی، یکی از زیان‌بارترین پیامدهای گفتمان تکفیری تشویق مسلمانان به «برچسب‌زنی» و «خارج کردن یکدیگر از دایره اسلام» است. این وضعیت، وحدت اجتماعی و توان جمعی امت را تضعیف می‌کند. از نظر ایشان، مرزبندی‌های هویتی باید بر پایه اصول قطعی قرآن و سنت و با رعایت حرمت مسلمانان باشد، نه بر اساس تعصبات فرقه‌ای و برداشت‌های شتاب‌زده. (سبحانی، ۱۳۹۲) بر همین اساس، ایشان بر ضرورت گفت‌وگو و تبیین مشترکات میان مذاهب اسلامی تأکید می‌کند و هشدار می‌دهد که افراط در تکفیر، حتی وقتی با زبان «دفاع از توحید» عرضه شود، در عمل به نزاع داخلی و بدنام شدن چهره اسلام در نگاه جهانی منتهی می‌شود. (سبحانی، ۱۳۶۴؛ بوطی، ۱۴۱۴)

سبحانی در گزارش تاریخی خود توضیح می‌دهد که در مقاطعی، خشونت برچسب‌خورده به «جهاد» با عنوان مبارزه با «کافران و مشرکان» به خونریزی گسترده و قربانی شدن شمار زیادی از مردم انجامید. از منظر او، چنین خشونت‌هایی نه تنها با

هدف‌های شرع سازگار نیست، بلکه به شکل‌گیری کینه‌های پایدار و چرخه‌های انتقام در جوامع اسلامی دامن می‌زند. (سبحانی، ۱۳۹۲؛ Adang و همکاران، ۲۰۱۵) ایشان هدف نقد خود را «رفع ابهام‌ها» و کنارزدن «پرده‌های تردید» معرفی می‌کند و می‌کوشد نشان دهد که بسیاری از باورهای عموم مسلمانان، ریشه در قرآن و سنت دارد و نمی‌توان آنها را به سادگی به شرک و بدعت نسبت داد. بنابراین، راه مقابله با افراط، صرفاً امنیتی نیست؛ بلکه نیازمند کار علمی، آموزش دینی معتبر و بازخوانی منصفانه منابع است. (سبحانی، ۱۳۸۵)

مبانی فکری و اعتقادی انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۷ به وقوع پیوست، بر پایه مجموعه‌ای از مبانی فکری و اعتقادی شکل گرفت که به طور کلی به کاهش خودکامگی، ارتقای عدالت اجتماعی و تاکید بر اصول اسلامی مرتبط هستند. ایمان به یکتایی خداوند متعال و رد هر نوع طاغوت و استبداد و معرفی تعالیم الهی و شریعت اسلام به عنوان مبانی نظام شناخته می‌شوند. ایمان به جانشینی امامان معصوم (ع) و نقش فقیه مجتهد جامع الشرائط در هدایت جامعه از دیگر مبانی فکری نظام جمهوری اسلامی است که مهمترین نتیجه انقلاب اسلامی به شمار می‌رود.

تلاش برای رهایی از وابستگی به قدرت‌های خارجی و کسب استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و ایجاد حکومت ملی و مردمی، مبارزه با دولتها و سیاستهای استعماری و استکباری جهانی، به‌ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی از دیگر اصول نظام هستند. همچنین ارتباط مستمر میان حکومت و مردم بر اساس اصول دینی و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خود با محوریت مطابقت همه قوانین و تصمیمات کشور بر اساس اصول شرعی و اخلاقی اسلام از دیگر اصول حاکم بر نظام جمهوری اسلامی است. علاوه بر اینها، تلاش برای احیای ارزش‌های فرهنگی و تمدنی اسلام و مقابله با فرهنگ غربی نیز به عنوان اصول مهم دیگری از نظام دانسته می‌شوند. این مبنا به تقویت هویت اسلامی و بومی‌سازی علوم و فنون اشاره دارد. (اسکوکپول، ۱۹۸۲، صص. ۲۶۵ تا ۲۸۳؛ اشرف و بنوعیزی، ۱۹۸۵، صص. ۳ تا ۴۰)

در این پژوهش، بخشی از «تعارض» میان جریان‌های تکفیری و گفتمان انقلاب اسلامی از زاویه پیامدهای اجتماعی-سیاسی تکفیر فهم می‌شود. تاکید انقلاب اسلامی بر همبستگی ملی و مذهبی و نیز نفی خشونت فرقه‌ای، با هشدارهای استاد سبحانی درباره آسیب‌های «برچسب‌زنی» و «خارج کردن مسلمانان از دین» هم‌راستا تفسیر می‌شود. (سبحانی، بی‌تا؛ اسکوکپول، ۱۹۸۲) همچنین، نقد ایشان بر مشروعیت بخشی به خشونت در قالب مفاهیم دینی، می‌تواند به عنوان پشتوانه‌ای نظری برای سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و آموزشی در جهت کاهش افراط‌گرایی تلقی شود؛ زیرا وی ریشه بخشی از افراط را در بدفهمی دینی و فقدان آموزش معتبر می‌بیند و راهکار را در تبیین علمی و رفع شبهات جست‌وجو می‌کند. (سبحانی، ۱۳۹۲) از این رو، مقاله به جای نسبت دادن آرمان‌های مشخص انقلاب به شخص استاد سبحانی، از آثار او برای صورت‌بندی «چارچوب انتقادی» نسبت به تکفیر بهره می‌گیرد و نشان می‌دهد چگونه این چارچوب می‌تواند در تحلیل تعارض‌های فکری و اجتماعی میان دو جریان مفید باشد. (سبحانی، ۱۳۶۴؛ اشرف و بنوعیزی، ۱۹۸۵)

تعارض‌های اساسی جریان‌های تکفیری و انقلاب اسلامی

جریان‌های تکفیری و انقلاب اسلامی ایران هرکدام بر اصول و پایه‌هایی بنا شده‌اند که اغلب در تضاد با یکدیگر هستند. تعارض‌های اساسی بین این دو جریان می‌تواند در موارد ذیل مطرح شود:

۱. مبنای فقهی و اعتقادی

پیش‌تر بیان شد که جریان‌های تکفیری معمولاً مبتنی بر تفاسیر سخت‌گیرانه و افراطی از اسلام هستند و تنها خود را به عنوان مسلمانان واقعی می‌شناسند و دیگر فرق و مذاهب، حکومتها و جوامع اسلامی و صاحبان اندیشه‌های متفاوت با خود را کافر می‌پندارند. آنها از خشونت، ایجاد ترس و ترور به عنوان ابزار اصلی برای رسیدن به اهدافشان استفاده می‌کنند. این جریان‌ها معمولاً حقوق بشر و اصول مدرن مرتبط با عدالت اجتماعی را نادیده می‌گیرند و به اجرای قوانین مبتنی بر تفسیرهای مخصوص خود از شریعت می‌پردازند. اغلب با مدرنیته و پیشرفت‌های علمی و فرهنگی مخالفت دارند.

انقلاب اسلامی ایران، با تأکید بر وحدت امت اسلامی و احترام به تمام مذاهب اسلامی شکل گرفته و سعی در ایجاد همبستگی بین مسلمانان دارد. انقلاب اسلامی بیشتر بر مبارزه سیاسی و فرهنگی تأکید دارد و گرچه از دفاع مسلحانه نیز استفاده کرده است، اما بر مبنای اصول اخلاقی و دینی اسلامی قرار دارد. انقلاب اسلامی دشمن اصلی خود را استکبار جهانی و قدرت‌های استعماری می‌داند و سعی در مقابله با سیاست‌های سلطه‌گرایانه آنها دارد و همبستگی و وحدت میان تمام مسلمانان شیعه و سنی را به عنوان یک اولویت در نظر دارد.

انقلاب اسلامی در حوزه داخلی بر اجرای عدالت اجتماعی، تأمین حقوق شهروندان با رعایت اصول اسلامی و احترام به ارزش‌های انسانی تأکید دارد. انقلاب اسلامی با شعار استقلال طلبی سعی در استفاده از علم و فناوری در چارچوب ارزش‌های اسلامی دارد و بر پیشرفت علمی و فرهنگی تأکید ویژه‌ای دارد. این تعارض‌ها باعث شده تا برخوردهای اساسی بین این دو جریان در حوزه‌های مختلف فکری، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شکل بگیرد.

گروه‌های تکفیری به سرعت دیگر مسلمانان (شیعه و حتی اهل سنت) را تکفیر می‌کنند. اولویت آنها ایجاد یک حکومت خلافتی با برداشت‌های سخت‌گیرانه از شریعت اسلامی و تأکید بر استفاده از خشونت و جهاد نظامی علیه مخالفان است.

یکی از اصول اصلی نظام جمهوری اسلامی که برآمده از انقلاب اسلامی است، اصل ولایت فقیه است که بر ترکیب جمهوریت و اسلامیت تحت رهبری فقیه جامع الشرایط دلالت دارد. انقلاب اسلامی ایران به مقاومت در برابر ظلم جهانی و مسئله فلسطین تأکید می‌کند. رهبری انقلاب اسلامی ایران بر عهده فقیهانی است که به اجماع مردمی تکیه دارند و از ساختارهای قانونمند برخوردارند. تأسیس نهادهای قانونی و تشکلهای حکومتی که در چارچوب قوانین اسلامی عمل می‌کنند. رهبری تکفیری‌ها اغلب توسط افراد یا گروه‌هایی صورت می‌گیرد که بدون هیچ چارچوب معیاری دست به خشونت می‌زنند. نهادها و تشکلهای رسمی حکومتی ندارند و بیشتر به گروه‌های شبه‌نظامی و چریکی تکیه دارند.

۲. رویکرد به حقوق و آزادی‌های فردی

تجربه جمهوری اسلامی، ترکیب جمهوریت و اسلامیت به نحوی است که همزمان هم آزادی‌های فردی در چارچوب قوانین اسلامی رعایت شود و هم حقوق مردم تامین گردد و امکان بازنگری و تطبیق قوانین با شرایط زمان و مکان مهیا باشد. این در حالی است که تفسیر جریانهای تکفیری، تفسیری صلب و انعطاف‌ناپذیر است. بی‌رحمی به مخالفان و نقض نظام مند حقوق بشر به خصوص در مناطق تحت کنترل خود.

انقلاب اسلامی ایران بر پایه اصول اسلام شیعه دوازده‌امامی بنا شده است. این اصول شامل ولایت فقیه، اجماع و عقلانیت اسلامی می‌باشد. از دیدگاه انقلاب اسلامی، اسلام دینی جامع و کامل است که علاوه بر امور دینی، بر سیاست و اجتماع نیز تأکید دارد. تکفیری‌ها (معمولاً مرتبط با جریان‌های سلفی و وهابی) از دیدگاه سنتی اهل سنت منشعب شده‌اند و بر تکفیر مسلمانان دیگر (از جمله شیعیان) به خاطر تفاوت‌های مذهبی تمرکز دارند. تکفیری‌ها عموماً تفسیر بسیار سخت‌گیرانه و افراطی از اسلام دارند و غالباً اهل سنت و شیعیان را به خاطر تفاوت‌های عقیدتی تکفیر می‌کنند.

۳. مسئله رهبری و ولایت

یکی از اهداف اصلی انقلاب اسلامی ایران، تلاش برای ایجاد وحدت بین مسلمانان جهان است. این انقلاب معتقد است که تمامی مسلمانان فارغ از تفاوت‌های مذهبی باید در برابر دشمنان مشترک امت اسلام اتحاد کنند. این انقلاب حمایت از جنبش‌های مقاومت اسلامی مانند حزب‌الله لبنان و حماس در فلسطین را به عنوان یکی از اصول راهبردی خود پذیرفته است. این در حالی است که جریانهای تکفیری بعضاً سرکوب و نابودی مخالفان مسلمان خود به خصوص شیعیان را بر مقابله با دشمنان خارجی ترجیح می‌دهند.

نظام جمهوری اسلامی به عنوان مهمترین ثمره انقلاب اسلامی به منظور حفظ مصالح ملی و اسلامی، در بسیاری از مواقع از سیاست‌های دیپلماتیک و تعامل با دیگر کشورها استفاده می‌کند. این در حالی است که تکفیری‌ها به جنگ مستقیم و عملیات مسلحانه تحت پرچم جهاد بیشتر رغبت دارند.

۴. نگاه به مسائل اجتماعی و فرهنگی

ایران به ترویج عدالت اجتماعی، آموزش و پرورش و ارتقاء فرهنگ اسلامی توجه اکید دارد. همچنین به نقش حائز اهمیت خانواده و زنان در جامعه توجه ویژه‌ای دارد و بر ارتقاء حقوق و مشارکت آنان در تمامی عرصه‌ها تأکید می‌کند. در حالی که جریان‌های تکفیری مخالف هرگونه پیشرفت اجتماعی و فرهنگی هستند که با قرائت افراطی آنان از دین تطابق ندارد. آنها مخالف آزادی‌های اجتماعی، حقوق زنان و بسیاری از دستاوردهای مدرن هستند.

در نهایت باید گفت که اختلافات انقلاب اسلامی ایران و تکفیری‌ها نه تنها در مبانی و اصول عقیدتی است بلکه در رویکردهای عملی و اجتماعی نیز تفاوت‌های عمده‌ای دارند. این تعارض‌ها موجب شده تا این دو جریان در بسیاری از مسائل جهانی و منطقه‌ای در مقابل یکدیگر قرار گیرند.

نقد جریان‌های تکفیری از نگاه آیت‌الله سبحانی

از نگاه آیت‌الله سبحانی ریشه‌های تاریخی جریان‌های تکفیری به دوران‌های اولیه اسلام به خصوص به خوارج بازمی‌گردد که به راحتی مخالفان خود را تکفیر می‌کردند. ایشان بر این باور است که تکفیری‌ها با تفاسیر ناصحیح و افراطی از قرآن و سنت، به این نتیجه می‌رسند که دیگران کافر هستند. این تفاسیر اغلب بدون توجه به سیاق و شرایط زمانی و مکانی صورت می‌گیرد. آیت‌الله سبحانی تأکید دارد که جریان‌های تکفیری نه تنها باعث ایجاد اختلاف و تفرقه در جهان اسلام می‌شوند، بلکه تهدیدی جدی برای امنیت و ثبات کشورهای اسلامی نیز هستند. این گروه‌ها با اعمال خشونت، بهانه به دست دشمنان اسلام می‌دهند که چهره نادرستی از اسلام به جهان نشان دهند. (سبحانی، ۱۳۹۲)

از نگاه آیت‌الله سبحانی، علما و اندیشمندان اسلامی وظیفه دارند تا با روشنگری و تبیین صحیح معارف دینی، به مقابله با تفکرات افراطی و تکفیری بپردازند. وی تأکید می‌کند که تقویت وحدت اسلامی و ترویج محبت و برادری بین مسلمانان می‌تواند عاملی مهم در کاهش تاثیر جریان‌های تکفیری باشد. (سبحانی، ۱۳۶۴؛ سبحانی، ۱۳۹۲)

آیت‌الله سبحانی مکرراً تأکید کرده‌اند که تکفیر مسلمانان، حتی با داشتن اختلافات فقهی و عقیدتی، با اصول اسلام در تضاد است. ایشان بر این باورند که تکفیر، بدون توجه به شرایط و ضوابط دقیق، منجر به اختلاف و تفرقه در بین مسلمانان می‌شود. یکی از نکات مهم در نقدهای آیت‌الله سبحانی، احترام به تنوع مذهبی در اسلام است. ایشان معتقدند که تفاوت‌های فقهی و عقیدتی در میان مسلمانان طبیعی است و نباید به عنوان ابزاری برای تخریب و تکفیر استفاده شود. آیت‌الله سبحانی بر نیاز به وحدت بین مسلمانان تأکید دارند و معتقدند که تفرقه و نزاع بین پیروان ادیان مختلف اسلامی، تنها به ضرر اسلام و مسلمانان است. به گفته ایشان، تلاش برای وحدت باید بر مبنای احترام متقابل و اصول مشترک دینی باشد. آیت‌الله سبحانی به شدت انتقاد کرده‌اند که جریان‌های تکفیری با استفاده از روش‌هایی همچون ترور و ایجاد خشونت، چهره اسلام را مخدوش می‌کنند. ایشان تأکید دارند که این اقدامات نه تنها موجب رعب و وحشت در جوامع اسلامی می‌شود، بلکه به اسلام هراسی در سطح جهانی دامن می‌زند. آیت‌الله سبحانی کشورهای اسلامی را به دعوت به صلح و همکاری دعوت کرده‌اند و اظهار داشته‌اند که بهترین راه برای مقابله با جریان‌های تکفیری، آگاهی‌بخشی و تربیت جویندگان حق و حقیقت است. (سبحانی، ۱۳۹۲؛ سبحانی، ۱۴۱۴/۱۳۷۲)

نکات کلیدی آیت‌الله سبحانی

۱. اصول مشترک اسلامی: توجه به اصول و مبانی مشترک اسلامی به جای تمرکز بر تفاوت‌ها. (سبحانی، ۱۳۶۴)
 ۲. آگاهی‌بخشی: تقویت آموزش و آگاهی دینی به منظور جلوگیری از سوء استفاده از مفاهیم دینی.
 ۳. احترام متقابل: تقویت فرهنگ احترام متقابل و تفاهم بین مسلمانان با مذاهب مختلف.
 ۴. مبارزه با خشونت: محکومیت خشونت و ترور به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف. (سبحانی، ۱۳۹۲؛ قرضاوی، ۲۰۰۹)
- نقدهای آیت‌الله سبحانی بر جریان‌های تکفیری عمدتاً بر مبنای اصول و مبانی اسلامی و فرهنگ وحدت و احترام متقابل استوار است. ایشان با تأکید بر لزوم آگاهی‌بخشی و تربیت صحیح دینی، به دنبال مقابله با تأثیرات مخرب تکفیر و جریان‌های

تکفیری هستند. این نقدها می‌تواند به عنوان راهنمایی برای جوامع اسلامی جهت مقابله با تفکرات افراطی و حفظ وحدت و همبستگی مورد استفاده قرار گیرد. (سبحانی، ۱۳۶۴؛ سبحانی، ۱۳۹۲؛ سبحانی، ۱۳۸۵)

افزون بر این، برخی پژوهش‌های دانشگاهی درباره تکفیر نشان داده‌اند که مسئله «تکفیر» در تاریخ اسلام همواره محل نزاع بوده و در دوره معاصر نیز، اختلاف نظر درباره حدود تکفیر و نسبت آن با خشونت، حتی میان جریان‌های جهادی دیده می‌شود (Adang و همکاران، ۲۰۱۵؛ Hafez، ۲۰۱۱). چنین شواهدی به تقویت چارچوب مقاله کمک می‌کند، زیرا نشان می‌دهد نقد تکفیر یک دغدغه فرا مذهبی و بینا رشته‌ای است و می‌توان آن را در سطحی علمی، به جای سطحی شعاری، پی گرفت.

همچنین محمد سعید رمضان بوطی در کتاب «الجهاد فی الإسلام: کیف نفهمه؟ و کیف نمارسه؟» تلاش می‌کند جهاد را از قرائت‌های خشونت‌محور جدا کند و بر فهم فقهی منضبط و اجتناب از افراط در کاربرد مفاهیم دینی برای خشونت تأکید دارد (بوطی، ۱۴۱۴). در ادبیات معاصر انگلیسی نیز، خالد ابوالفضل در کتاب «سرت بزرگ»^۱ با نقد جریان‌های افراطی و انحصارگرا، نشان می‌دهد چگونه قرائت‌های تندرو می‌توانند اخلاق دینی و سنت‌های تفسیری را به حاشیه برانند. (Abou El Fadl، ۲۰۰۵) در کنار نقدهای آیت‌الله سبحانی، می‌توان نشان داد که در میان اندیشمندان معاصر اهل سنت نیز جریان‌های فکری پرنفوذی با «گسترش تکفیر» و تبدیل اختلافات مذهبی به خشونت مخالفت کرده‌اند. برای نمونه، یوسف قرضاوی در اثر تفصیلی خود درباره فقه جهاد، بر محدودیت‌های شرعی جنگ، ضرورت رعایت قواعد اخلاقی و منع تعرض به غیرنظامیان و نیز خطر سوءبرداشت از مفهوم جهاد تأکید می‌کند و همین نکته، از نظر تحلیلی با نقدهای ضد تکفیر هم‌پوشانی دارد (القرضاوی، ۲۰۰۹).

نگاه اندیشمندان معاصر ضد تکفیر

نقد تکفیر، محدود به یک سنت مذهبی خاص نیست و در ادبیات معاصر اسلامی و پژوهش‌های دانشگاهی نیز به مثابه یک مسئله «فرامذهبی» و «بینارشته‌ای» مطرح شده است. در دوره معاصر اختلاف نظرهایی درباره حدود تکفیر و نسبت آن با خشونت، حتی در میان جریان‌های جهادی مشاهده می‌شود. این امر ضرورت تفکیک میان «اختلاف مذهبی» و «طرز ایمانی/خشونت» را برجسته می‌کند.

چنین دیدگاه‌هایی با نقدهای آیت‌الله سبحانی هم‌پوشانی دارد؛ زیرا راه مقابله با افراط را صرفاً امنیتی نمی‌داند و بر کار علمی، آموزش معتبر دینی، رفع شبهات و برجسته‌سازی مشترکات تأکید می‌کند. در ادبیات معاصر انگلیسی، نیز برخی آثار با نقد جریان‌های انحصارگرا نشان می‌دهند که چگونه قرائت‌های تندرو می‌توانند اخلاق دینی و سنت‌های تفسیری را به حاشیه برانند و دینداری را به ابزار خشونت تبدیل کنند.

راهکارهای مقابله با جریان‌های تکفیری

جریان‌های تکفیری یکی از چالش‌های بزرگ منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شوند. مقابله با این جریان‌ها شامل راهکارهای متعدد است که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. تبیین و تقویت گفتمان وحدت اسلامی

یکی از محورهای اصلی انقلاب اسلامی ایران، تبیین و تقویت گفتمان وحدت اسلامی است. تلاش برای نزدیک کردن مذاهب اسلامی و کاهش تفرقه میان مسلمانان از اهمیتی ویژه برخوردار است. برگزاری گفتگوها و نشست‌های علمی و دینی میان علمای دینی از مذاهب مختلف، نقشی مهم در کاهش سوء تفاهم‌ها و تقویت همدلی میان مسلمانان دارد.

۲. افزایش آگاهی عمومی و اصلاح اندیشه‌ها

ایجاد و تقویت مراکز علمی و فرهنگی برای تبیین دیدگاه‌های روشن و هماهنگ از اسلام حقیقی نیز اقدام مناسبی در راستای خشتی کردن فعالیت‌های تکفیری به شمار می‌آید. آموزش و اطلاع‌رسانی صحیح در خصوص اصول و مبانی اسلام، به منظور مقابله با تفسیرهای نادرست و افراطی، بسیار مهم است. دوره‌های آموزشی برای نخبگان، دانشگاهیان و عموم مردم می‌تواند نقش موثری در شناخت صحیح از اسلام و مبارزه با اندیشه‌های تکفیری داشته باشد. استفاده از ابزارهای رسانه‌ای نظیر فیلم، کلیپ و کتاب‌های آموزشی برای معرفی چهره‌های منفی تکفیری‌ها و تبیین اندیشه حقیقی اسلامی می‌تواند بسیار کارساز باشد.

۳. دیپلماسی و همکاری‌های بین‌المللی

همکاری‌های بین‌المللی و ائتلاف‌های مشترک نظامی و اطلاعاتی میان کشورهای اسلامی برای مقابله با گروه‌های تروریستی و نیز تبادل تجربیات و اطلاعات با کشورهایی که تجربه موفقی در مقابله با جریان‌های افراطی دارند، می‌تواند به مقابله با جریان‌های تکفیری کمک شایانی بکند.

۴. حمایت از حکومت‌های مشروع و قانونی

حمایت از حکومت‌های مشروع و مردمی در کشورهای اسلامی، که مقابل جریان‌های تکفیری قرار دارند، به عنوان یک راهبرد کلان قابل طرح است. حمایت از پروژه‌های دولتی و تقویت نهادهای امنیتی و انتظامی در کشورهای دوست برای مقابله با تهدیدات تروریستی. افزایش کمک‌های اقتصادی و فرهنگی به دولت‌ها و ملت‌های درگیر تا بتوانند به شکلی منسجم‌تر با افراط‌گرایی مقابله کنند. استفاده از رویکردهای بالا نقش کلیدی در کاهش تهدیدات این جریان‌ها و تقویت امنیت و همبستگی در جوامع اسلامی دارد.

پیشنهادهای آیت‌الله سبحانی برای مقابله با جریان‌های تکفیری

آیت‌الله جعفر سبحانی، همواره نگرانی خود را درباره‌ی افکار و جریان‌های تکفیری به‌ویژه تیره‌های افراطی آنان ابراز کرده‌است. ایشان به‌کرات توصیه‌هایی را برای مقابله با این گونه افکار و جریان‌ها مطرح کرده‌اند. (سبحانی، ۱۳۹۲)

ترویج صحیح اسلام: ایشان بر اهمیت ترویج و آموزش دین اسلام به‌صورت صحیح و اصولی تأکید دارند و معتقدند که یکی از راه‌های مقابله با افکار تکفیری، تبیین درست معارف اسلامی و آشنایی افراد با اصول و مبانی واقعی دین است. ایشان معتقدند که ترویج و تأکید بر اعتدال و میانه‌روی در دین می‌تواند نقش بسزایی در کاهش گرایش‌های افراطی داشته باشد. تعلیماتی که بر اساس اعتدال و عقلانیت باشد، می‌تواند از شکل‌گیری تفکرات تندرو جلوگیری کند. (سبحانی، ۱۳۹۲)

وحدت امت اسلام: آیت الله سبحانی بر وحدت اسلامی به عنوان یک راهکار اساسی برای مقابله با تکفیر و افراط تأکید دارند. تقویت و حفظ همبستگی بین مذاهب مختلف اسلامی و تشویق به احترام و تفاهم متقابل، می تواند از رشد تفکرات تفرقه انگیز جلوگیری کند.

تفسیر صحیح متون دینی: یکی از مهم ترین توصیه های ایشان، ارائه تفسیر صحیح و جامع از متون دینی است. افکار تکفیری عمدتاً مبتنی بر تفسیرهای غلط و ناقص از قرآن و سنت هستند. آیت الله سبحانی بر تلاش علما و اندیشمندان دینی برای تفسیر واقعی و صحیح این متون برای مردم تأکید فراوان دارد. ایشان بر این باور است که افکار تکفیری با برخوردهای عقلانی و بحث های معرفتی می تواند خنثی شود.

نقد عالمانه: بررسی و نقد عالمانه افکار و استدلال های این جریان ها و ارائه پاسخ های منطقی و مستدل می تواند در مهار این گروه ها مؤثر باشد. تأکید بر آموزش و فهم عمیق قرآن و حدیث به عنوان منابع اصلی اسلام، از دیگر توصیه های ایشان است. (سبحانی، ۱۳۶۴)

و بالاخره این که تکفیر، اگرچه در سنت فقهی - کلامی دارای ضوابط و قیود سخت گیرانه است، اما در صورت تبدیل شدن به گفتمان بسیج گر می تواند به ابزار مشروعیت بخشی برای طرد اجتماعی و خشونت سیاسی بدل شود. از تجربه های اولیه مانند خوارج تا موج های معاصر سلفی گری جهادی، پیوند میان «قرائت سخت گیرانه از دین»، «هویت سازی مبتنی بر طرد»، و «زمینه های بحران زای سیاسی - اجتماعی» در تولید و بازتولید تکفیر نقش آفرین بوده است. (سبحانی، ۱۳۹۲)

نتیجه گیری:

مواجهه مؤثر با جریان تکفیر راهبردی چند لایه است:

۱. بازسازی معرفت دینی با تکیه بر ضوابط تکفیر، تمایز میان خطا و خروج از دین و تقویت روش شناسی فهم نص؛ این راهبرد در دو قالب علمی و عملی می تواند شکل یابد:

۱-۱: تدابیر علمی: «تعلیم اصول دین به صورت جامع» یکی از مهمترین راه های مقابله با تکفیر، ارائه ی شناخت صحیح و کامل از اسلام به مردم است. این شامل آموزش قرآن، حدیث و سیره پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع) می شود. افزایش سطح علم و آگاهی در بین علما و طلاب حوزه های علمیه می تواند به جلوگیری از تفسیرهای نادرست و افراطی از متون دینی کمک کند. ورود به مباحثه و گفت و گو با نمایندگان گروه های تکفیری و نشان دادن انحرافات آنها از تعالیم اصیل اسلامی. تألیف و انتشار مقالات و کتب علمی که به بیان نقاط ضعف و نقض استدلال های تکفیری ها بپردازد.

۱-۲: تدابیر عملی:

- همایش ها و کنفرانس ها: برگزاری همایش ها و کنفرانس های بین المللی در زمینه مقابله با تکفیر و دعوت از علمای جهان اسلام برای تبادل نظر و ارائه راهکارها.

- برگزاری کارگاه های آموزشی برای ائمه جماعات و مبلغان دینی به منظور شناخت بهتر و مقابله با تفکرات تکفیری.

- تشویق به گفتگوی بین مذاهب مختلف اسلامی برای رسیدن به تفاهم و همبستگی بیشتر.
- تاکید بر اشتراکات و مبانی مشترک دینی بین مذاهب مختلف، به جای تمرکز بر اختلافات.
- استفاده از رسانه‌ها و هنر به عنوان ابزاری برای مقابله با ایدئولوژی‌های تکفیری. تولید فیلم‌ها، مستندها و برنامه‌های تلویزیونی که به تبیین مضرات تکفیر و تفرقه پردازد.
- فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی برای مقابله با تبلیغات تکفیری و ارائه محتوای سازنده.
- در هر صورت، تحقیق و فعالیت‌های عملی می‌توانند نقش مهمی در مهار تفکرات تکفیری و حفظ وحدت و همبستگی در میان مسلمانان ایفا کنند.
- ۲. سیاست فرهنگی - اجتماعی برای کاهش نفرت مذهبی، تقویت سواد دینی و رسانه‌ای و گسترش اخلاق گفت‌وگو می‌تواند راهبرد مؤثری در مقابله با جریان‌های افراطی تکفیری باشد.
- ۳. سازوکارهای نهادی و حقوقی برای مهار خشونت و جلوگیری از تبدیل تکفیر به ابزار بسیج سیاسی. تحقق این سه لایه، می‌تواند امکان همبستگی و همزیستی مسلمانان را تقویت کرده و از بازتولید چرخه‌های خشونت فرقه‌ای جلوگیری کند.

فهرست منابع:

قرآن کریم

ابن تیمیه، ابوالعباس احمد عبدالحلیم (۱۴۱۶ق)، مجموع الفتاوی، المدینه النبویه: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف احمد اشرف، علی بنوعزیزی (۱۳۸۷) طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسیانی، تهران: نیلوفر بوطی، محمد سعید رمضان (۱۴۱۴ق)، الجهاد فی الإسلام: کیف نفهمه؟ و کیف نمارسه؟ بیروت: دارالفکر المعاصر
تدا اسکاچپول؛ محمد تقی دلفروز (۱۳۸۲)، دولت رانتیر و اسلام شیعی در انقلاب ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۶، ش ۱۹، صص ۱۱۹-۱۴۱.]

سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۹۲)، سلفی‌گری در آینه تاریخ: پیدایش مکتب، رفتارها، پیامدها. قم: توحید قم.
سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۶۴)، آیین وهابیت. قم: دفتر انتشارات اسلامی (جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).
سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۹۲)، «ریشه‌های پدیده تکفیر در گذر تاریخ»، فصلنامه کلام اسلامی، ۲۲ (۸۷)، ۹-۱۸.
سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۱۴ق)، بحوث فی الملل و النحل: دراسة موضوعیة مقارنة للمذاهب الإسلامیة. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجامعة المدرسین
سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۲۷)، الوهابیة فی المیزان، دراسة موضوعیة لعقائد الوهابیین علی ضوء الكتاب و السنة، قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام.
سبحانی تبریزی، جعفر؛ الهامی، داود؛ هادی، جعفر (۱۳۷۸)، مبانی حکومت اسلامی. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.

علیزاده موسوی، سیدمهدی (۱۳۹۶)، وارونگی: نقد و بررسی بنیان‌های فکری جریان‌های تکفیری با تأکید بر داعش، قم: مؤسسه بوستان کتاب.

القرضاوی، یوسف (۲۰۱۲م)، فقه الجهاد: دراسة مقارنة لأحكامه وفلسفته في ضوء القرآن والسنة، قاهره: مكتبة وهبة للطباعة و النشر
مؤسسه دارالاعلام لمدرسة اهل البيت (۱۳۹۸)، درسنامه نقد جریان‌های تکفیری، قم: مؤسسه دارالاعلام لمدرسة اهل البيت (ع)

- Abou El Fadl, Khaled. ۲۰۰۵. The Great Theft: Wrestling Islam from the Extremists. HarperSanFrancisco.
- Adang, Camilla, Hassan Ansari, Maribel Fierro, and Sabine Schmidtke (eds.). ۲۰۱۵. Accusations of Unbelief in Islam: A Diachronic Perspective on Takfir. Leiden/Boston: Brill.
- Hafez, Mohammed M. ۲۰۱۱. "Debating Takfir and Muslim-on-Muslim Violence." In Assaf Moghadam and Brian Fishman (eds.), Fault Lines in Global Jihad: Organizational, Strategic and Ideological Fissures, ۲۵-۴۶. New York: Routledge
- Hegghammer, T (۲۰۱۰), Jihad in Saudi Arabia: Violence and Pan-Islamism since ۱۹۷۹. Cambridge University Press.
- Quintan Wiktorowicz (۲۰۰۶), Anatomy of the Salafi Movement, Studies in Conflict & Terrorism
Volume: ۲۹ Issue: ۳ Dated: April-May ۲۰۰۶ Pages: ۲۰۷-۲۳۹